

## نه درمان دلی نه درد دینی

شماره آخر نشریه «قلم یاران» اخیراً در تهران منتشر شده، بخشی از این شماره، چنانکه از تصویر روی جلد آن نیز برمی آید، ناظر به نحله فکری «روشنفکری دینی» و «نواندیشی دینی» معاصر است. در این پرونده، با من نیز مصاحبه‌ای انجام شده که فایل آن چند روز پیش در کانال تلگرامی و سایت ام قرار گرفته است.

هنگامی که برای انجام مصاحبه با من تماس گرفته شد، گفتند که قرار است به مناسبت انتشار کتاب «حدیث نواندیشان دینی: یک نسل پس از عبدالکریم سروش»، نوشته هادی طباطبایی پرونده‌ای منتشر شود. من هم پذیرفتم و به سؤالات طرح شده، پاسخ دادم. اما، پس از انتشار نشریه و خواندن تمام جستارهای پرونده، متأسفانه دریافتم که تنها مصاحبه‌هایی که با نگارنده این سطور و مؤلف محترم کتاب، هادی طباطبایی و تا حدودی مصاحبه انجام شده با موسی اکرمی ناظر به مباحث ابوالقاسم فنایی، آرش نراقی و سروش دباغ است، سه نواندیش دینی‌ای که آثارشان در این کتاب به بحث گذاشته شده، و باقی مطالب سمت و سوی دیگری دارد.

از طرح جلد شیطنت‌آمیز نشریه و برگزیدن تیتراژ «آغاز پایان روشنفکری دینی»، تا طرح سؤالات قویاً جهت‌دار و مغرضانه در مصاحبه‌هایی که با موسی اکرمی، نصرالله پورجوادی و خشایار دیهیمی انجام شده، برمی آید که قصد و نیت گردانندگان این نشریه، نه تحری حقیقت و بازخوانی و مرور منصفانه میراث این نحله فکری مؤثر در ایران معاصر؛ بلکه نوعی تصفیه حساب گروهی است. در واقع گردانندگان نشریه به دروغ به من گفتند که قرار است پرونده تماماً درباره کتاب تازه منتشر شده «حدیث نواندیشان دینی» باشد و در مقام عمل معجون دیگری منتشر کردند؛ شگرد ژورنالیستی قبیح و غیر اخلاقی و رماننده. اگر می‌دانستم قرار است پرونده به این شکل منتشر شود، مسلماً مصاحبه نمی‌کردم و در این کار مشارکت نمی‌کردم.

در عین حال، نمی‌توانم تأسف عمیق خود را از ماده و صورت و موضوع و محمول مصاحبه صورت گرفته با نصرالله پورجوادی ابراز نکنم. از لحن تند و تخفیف‌آمیز و مغرضانه ایشان در سراسر مصاحبه که تحلیل روان‌شناختی و نه معرفت‌شناختی می‌طلبد، که در گذریم؛ انصافاً مطالب طرح شده کم مایه و کم محتوا و سطحی است و از ناآشنایی و بی‌خبری عمیق مصاحبه شونده با نحله نواندیشی دینی و آثارشان در دهه‌های اخیر حکایت می‌کند. فی‌المثل، حدوداً ده سال است نواندیشان دینی متاخر، در مکتوبات و سخنان خود، پاسخ‌های تجربی و دلالت‌شناختی مقنع و موجهی به ایراد ناسازگاری درونی ترکیب «روشنفکری دینی» و «آبغوره فلزی» و «کوسه و ریش پهن» خواندن آن از سوی منتقدان داده‌اند؛ به نحوی که برخی از منتقدان قدیمی جدی این نحله دیگر این ایراد را طرح

نمی‌کنند. حال، از غرائب است که پورجوادی که در باب متون عرفانی قدیمی، تتبعات خوبی کرده و آثار نیکویی منتشر نموده، این ایراد نخ نما شده را طرح کرده و پای در حوزه‌ای نهاده و سخن رانده که روشن است بدان ورودی ندارد و از ادبیات غنی مباحث نواندیشی دینی در دو دهه اخیر پاک بی خبر است.

طنز روزگار است که اصحاب «قلم یاران»، در مقام طعن زدن و تخفیف کردن مغرضانه، فقط زورشان به جماعت نواندیشی دینی یک قبا می‌رسد؛ جماعتی که طی فعالیت درازآهنگ خود در دهه‌های اخیر، صداقت و جسارت و حریت خویش را به نیکی بر آفتاب افکنده و در جای خود هزینه آن را هم پرداخته‌اند. تو گویی که دیگر جماعتی که در این مرز و بوم به کار فکری و معرفتی و سیاسی اشتغال دارند، نیازی به بررسی و بازخوانی انتقادی ندارند، و فی‌المثل، آراء و سخنان و رفتار روحانیونی نظیر محمد تقی مصباح یزدی، محمد یزدی، صادق لاریجانی، احمد جنتی... عاری از اشکالات و خطاهای نظری و عملی است!! روشن است که حمله کردن مکرر به نواندیشان دینی که در شرایط کنونی، حظ و بهره‌ای از قدرت و ثروت در این دیار ندارند و بی پناه‌اند و به کنجی خزیده، نه تنها هزینه‌بردار نیست، که در جای خود امری مبارک است و گشاینده برخی از درها و قفل‌ها، چنانکه افتد و دانی!! فهم این امور، هوش چندانی نمی‌خواهد و برای کسانی که تحولات فکری و سیاسی دهه‌های اخیر را رصد کرده‌اند، روشن و هویداست.

بخش دل‌آزاتر ماجرا، داعیه‌های پر طمطراق روشنفکرانه این جماعت طلبکار عافیت طلب است که گوش فلک را پر کرده؛ دواعی‌ای که از آنها هیچ بوی صدق و سلامت و حقیقت‌طلبی به مشام نمی‌رسد. کاش این حضرات، ذره‌ای از حریت و جسارت و شجاعت و صداقت بزرگانی چون شریعتی و بازرگان و منتظری و قابل را به ارث برده بودند:

نمی‌بینم نشاط عیش در کس

نه درمان دلی نه درد دینی